

خطبه سارنگد شواری در تاریخ بهمن ۱۳۲۵
در روز شنبه ۱۳۲۵

مانی برایت مدتی در میان کرده که در زمان پادشاهی
صاحب کتبی (پنوی) مدتی بود
اردوان اسکای حدود سال ۲۱۵، ۲۱۶ میلادی در عهد اردشیر
بایگان مدتی بود که در زمان ساسانیان اول از ایران بوداتی افراس
درباری سفارضا کرد. در صنف (۲۷۰) مایان بازرگت دیوانی
سفر سپهرنامه (۲۷۲، ۷۳) و خود ساسانی اول بدو کرده است.
دسالافه در کتب مایان اول سپهرنامه اول (۲۷۵-۲۷۷) با
لفظهاه شود ان گفته شده. ۱

کتاب ۱۹۰۲ در کتابان صنف همراه است در در اینجا آثار
مانند کتبی مایان مدتی است. در ۱۹۱۴ صنف از تقاب
دانشان آثار قدیمه از مدخل مختلف به کتابی صنف در حوالی
میل که هر دو زمان قدیم در اینجا بوده است صفای کریمه و آگاهی از این زمان
مدت است

مانی در ادبیات مذکور نیست کتابی که هستی: (ارسطو - ارسطو - ارسطو)
از عقیده تا انگیزش (مبانی سووش سوره)

" سوکر اریان " مانی را حکم گاه استاد گاه نفس گاه سیدین

دعای کعبه اینه " مانی زنده تو را سورا دادیا گاه مردن در دردی

گماه قاسم صوره دست دایمانت پستی از مردم چون بودم آه و هوای آن
از دم برتر حسیان بودم

در اینجا او نه در ادبیات فخر و طغر که غایب شافیه در شمال مازان

در نظر منگوه از ردای که در فدایا نه آموخ

که چون از حضور نه بنده من	بیا بدیگر مردگرا از من
یکای پریش مرد مانی بنام	ز آن چه بودی رسیده کام
ز من آرد آن طایر بر نام	لغز دیگر گفت بیفهم

زندگانی مانی - ۷ -

زندگی مکتوبه مانی نزد سائید آه و دگر پیغمبر کرد و شکر برندان ادرا
در مساجد میباید کرد و شکر امریکس مانی داد

۷-۱- اضا را صبح بسیار را از ۵ شمع میگرد

۱- ادبیات

۲- اغانی و دروایان - فخر و طبعی که عاقلان یافته دشمنان مانی است

۳- تحقیقات البروتنی دایر النهم

۴- روایات غیر آرائی - (روایات سریانی)

۵- اسناد تازه کشفه از توران

در سنوات ۱۹۰۲ تا ۱۹۱۴ شت - از عملی آلفانی و دایر

اکثرین زقنه به برگستان و اسناد و مدارک بدست آورده

و محاسن تصویر هم دارد که فایده محاسن درس و با تحقیق هم میسر است

در سایر هم دارد که در کوفه قد است

افراد در هر یک ضعیف هستند یا برون آن هم ضعیفند

۷- اسناد و مدارک

معقول دن سلاک دوق من نامی

معقول ناملاک دوق من

زندگی چهار مانی است

آینه که آنهم یکی از کتب مانی است

۱ - کتبات فضلاء اروپا - دره المعارف بریتانیا

در مذهب مانویت تفکیک بین اصل مادی و معنوی، طبیعت و روح وجود ندارد. در اصل آئین خود خوبی را ستود و بدی را نفی کرد.
نقطه مانویان اینست بدی را کمال است:

سرس بهیچون سرشیر و سپریش بهیچون کن لردا و بال آئی
چون بال مرغ و دم چون دم ماهی با چو پای بهیچون چاربانان
کس که بخوره داخل دمی ماه شود بانه بر رگ آهوه قارده
دکوله خود را از چنگ آرزو خوردن گوشت و شراب و نمانگت
دور کند

مانویت از موزت تا صوفی و انجیل و روم پس بقدر
د از موزت تا مانی مرکز می در آنگان چین بود که کهنه
تورمان مرکز آن است

زندگی مانی - بار

مانیت هلا دن ۱۷ سلارن درر گکان وجود داشته است

ماض دارا کتب بسیاره لوب و لقب گوینده حکیم حیرت

صورت کشی پنج که در ذکا بودا به راسته بوده است

کت مای مانی نخطوط لایون و العقودن و صحن و ستنی است

اما نقاش مانی معدوم است - اقدس محقق داشته باشد زیرا در فرض

سرمانی در مورد وی است - ذکر از این مانی کرده اند

لکن از طرف دیگر صاحبیم که او را آن مکتف بودمان و لغوی دیگر ۴۳

که درر گکان صحن در نقاشی است - اما در مانی است و از صحنه قوی

سمرانه مانی هم بیان مانی می گویم که او در صنایع نظریه از فصل نقاشی

دوستی است - مگر در این نظر و عقیده لوب است ۴۲

شعبه تدقیق ماتی

"جائزہ ماتی را از مردم چین سرشمردم و موضع سرمانی در اعلام از طرف
مکتوب و تقالیم اورا متعلق بمردم امرای بدقتی . این التذکر اورا ایرانی
و نظری تا بنامی است

"ماتی مردمی ایرانی و مادرش از نژاد آلمان است (ماتری) که در
سلطنت حیدر علی حکومت داشتند و در کتب تاریخ و در مکتب در ادوار
حدوث یادش می آید و این آلمان از نژاد بود یا هم این سرزمین ایران
رفته . . . و بعد از آن که سرمانی «تقی» یا «فدیک»
مردم این نژاد بود . [۴۴]

"ماتی خود گوید : من در سال ۱۸۵۵ از تاریخ منجمن پانی
در سال گذشته از مادری ایرانی که تقریباً طبعی با ۲۱۵ - ۲۱۶
مسیحی باشد متولد شدم و در ۱۳ سالگی که سال دوم یادش می آید در
مصر رین منزلت است

مکتب ام علی السعیدی در زمان بهرام بن بهزاد ۲۷۲ - ۲۷۷
و قریب باقیه است [۴۵]

پروان دین مانی . زیادت نام دارند .

پروان دو قسم بودیم

۱- صد یون / صد تقین / که مکرر است از رگه ها گرفته اند
نخوردند و از نه است

۲- ساعون که مکرر است از ۲۵ تا ۳۰ مایه را در تمام دیده
ولی طرفه را مانی نوبه آن و صمد درسته آن که مایه بود

مانی مگره (صورتی) از دو قوه گش شود پس دلی گرفته
هو در وقت تنوشته . در وقت زندگی (شکل) از مکرر دهن

در وقت مرگ در جذب دهن بر زمین است .

پای

مقدمه بصیغ

لصیغ کتاب بطریق علمی و انتقادی و آماره سابقین از برای طبع چنانکه امروز
تداول گردیده خود کفایت از فنون ادبی انتقادی که در دنیا با آن
صفت قرآن اقرضیدان مرسوم و سبب اول بتوده است

در عهد قدیم اگر دانشمندی بتوسط کتابی را بطریق قبیح امروزی از
حالت اہم و بیگمہ گی بحال هولت و روشنی باز گرداند، آنرا تقریباً شرح
و این عمل بزرگ درکتب قدیم و علمی و کتب در ادبیات صورت گرفت و دفتر
بدر شرح ناچار بود شد شد از اصل کتاب را در آن کتب پس آنرا بلیغ
صورت انتقاد کند

الف

از روزیکه سابق دولت بقتد رنشد چنان اعلیٰ حضرت چون سانس
بسیار حلاله بلکه برز دروم ایران آفت و کلماتی حادثش این کور
کتابک باشم افزوده پوش در زمان حاکم القابله این کلمات را اندر او
گردد، تقصیر هم بر صرافت مبدول است

ب

باز سبب من اصطلاحات و اوان بر بجا در دست را در حد کتاب
با استنتاج کتاب باز که در عربی کتب بصیغ است و در کتاب ازال

ساروجیم کرد

دارلار دارا

گدیم آودز

دزاسار لپه

عتم دستاردهم آودز دتکلا اران کدم به درن دررا

فعلین مفعلین فعلین مفعلین

سرنیال
سرنه
سرنه

CNT68DA01G L2698 60001

این کتب بسیار جزا - و با آنکه بود گذشته از آنکه در عکس جامش
گرفته کردیم دو صفر در ده صفر آن سیاه و نه آن بود که نثر و نثر
دعا در زمین کلمات آن از هم جدا کردیم و فواید سه -

« از او نیز نقض و تحقیق - و ضعف حدیث خود تراجم آوردند
داز صد او نه آن نقض و جها بیده علم و ادب نوزش میطلبه « صد انم
که نقض و کمالی که در خود چنان اصلاح است از طرفین بنده معرفت نفعاً به
خبر اینکه نوزید و نیت نگرانی که بود از بهمان لایحه رسالی بس نوز
شک دو آ کریم و شب در بر سر کتب بود آورده و خود را طبع
خدمت آماج نکرستفت حرار طالع است. از او نیز نگاه اتفاق را
از او است آن لایحه گرفته و در آن نثر بدعی خبری یاد کرده

معامل

بر داد ۱۲۱۷ ۱۲۰۲

لا درام بدمه - ساق کت - سبک از
المعامل لغات - فصائل کجوس و صرفی - رسم الخط کت -
را دقتاً نقی کریم و لا درانی و نوانه این کت - آنرا

۱- که چون گفت - بنده میفرمود که بعد از در خصال لقمه بعل شده

عالم علم اربع چیز است را که میسر کرد که نفس آن در ملک میبود

۲- دیگر از آن است که - طرز و معنی آن است که در صدد گنجانی

این نقد آن است که در میان این است - را یکی از کتب فصح و جزیل

نشر مازسا نمود و آنرا یکی از حلقه های متفق و هموار سلسله لغت و نشر

مازسا قرار داد.

۳- زینت دیگرها که دارد - آوردن لغات و عبارات مردم اهلیان است.

نقد و سنجش مجلس التواریخ نظام محمد کریم

موضوع کتاب تاریخ احوال عالم استعمروء و تاریخ ممالک ایران و خصوصاً که از
سده هجرت تا سده ۵۲۰ هجری که سال تکلیف کتاب است و علاوه بر تاریخ نیز
تا اندازه ای از فضایل و بلاد موجوده آن حکومت مناسبت نماید. ترتیب احوال ایران
کتاب از زراعت

اصل کتاب بیشتر است بر بیت دینغ قاپ و عبارت است از ۹۸ صفحه
کتاب اول آن بسیار مختصر و مفید است و در بعضی آن نواقص و ادب
تاریخ ملوک و صفات مذکور است

باب پنجم و دهم - در تاریخ قدم ^{ارائه} کس از اسلام
باب یازدهم الی ۱۸ - در تاریخ آرمینان و هندوان و مردم و غیره از اسی و تاریخ
تشیار

باب ۱۹ - که اصل ایران است کتاب است در واقع تاریخی بعد از اسلام از سده
اول تا ۵۲۰

باب بیستم - در بیان مذهب اسلام حاکم و صفات
باب ۲۱ - در القای ملوک

نقد و مجمل التوابع حکم روستی

باب بیست و دوم - در بیان دنیای سعادت

باب ۲۲ و ۲۳ در بیان دنیای سعادت و دنیا و آخرت

بعضی اینها در کتاب است

باب ۲۵ که بیان فرشتگان است در فضل راکنند این باب باقی است از

آخر باب ۲۴ که در بیان کتب مقدسه است از جمله کتاب سوره و کتاب

نام شریف کتاب در آنجا است - بهیچ وجه در کتاب نیست - خبری که محقق

است - اینکه شریف از این کتاب حج و زلفی قوی از اول در آن است

از آنجا که در آن حدود بود است

تاریخ کتب است - در سنه ۵۲۰ هجری در عهد سلطنت سلطان بنیر

در سلطان محمود بن محمد بن ملک دهلی است و عین است

شریف مجمل التوابع از کتاب بسیار از آنجا که تاریخ همزه اصلا

تاریخ طبری تاریخ ابن دافع یعقوب استقامت بود است

نسخه خطی آن در سنه ۱۱۲۳ است و استماع است در کتابخانه پاریس

نقد و توفیق در ۴ اصف ۱۲۰۹ نوشته است

تاریخ سیستان

۱ بارنگر در این کتاب - علمای جامع و بدون ذکر ادوات است

۲ لغات عربی بیدار کم استعلا است

۳ افتادها لغوی است با اثر امورد در دانش بزرگ - در

۴ صحیح را لغوی است - صحیح عربی را جمع می کنند مثل

۵ افتادها لغوی است

در آنگاه در این کتاب عارضه دارد کردن ارضه
در بدو و ظنن و اس دور نمود، با هم رضایت علم و ادب است
فرا بار در در سال ۱۴۰۸ هجری - که ضامن است
رفته کبیر - انگلیس - بین شکل برداشته آن، در وقت ما در
هم در تقسیم مطبوع و نهادن از دست دهنده تاریخ از هم شده در
اضرت به این است که از فساد نوزاد کنی نیست

تاریخ سیستان به تصحیح ملک الشعراء بهار
در حدود ۴۴۵ - ۷۲۵

۳۸ $\frac{۱۴-۱۷}{۳۸}$

دوره اول ۱۴۱۴

۴۸۹

بهار سینه در عهد الوفا که ماقبل چند سال قبل قتل شد در عهد محمد مصطفی

و انفران قدیمین سوره فارسی در یکی از ممالک ایران قتل شد

تا قدمت را به یاد دهم روزنامه ایران به نام ۱۸۱۱-۱۸۱۵ میلادی

و بعد از اقصای سینه که در ۱۴۰۴ هجری قمری

کتاب تاریخ دربار یاد گرفته شد و خود آن کتاب سیستان

بود و معلوم نبود که یاد دهم روزنامه ایران هم از دورانی است

بیم

بعد از این که "ان سینه را با آردین سینه قسمت آن گرفت

طایفه برای یکی از کتابخانه های خردگستر سینه در هر چند کتاب در آن

سوره صنایع نهاده ملک سینه کس حرفه بعضی دو آن که کتاب حدودا

بدان صوبه استاده لیکن سینه است در آن که حدودا ایران است

در صد اقصاء آن در شمال دیو ایلی علمه ادین خود خوانده آن

تاریخ مسکات

به سبب این امر آن خود را در دست خود بر سر نیز بسته است
تا همه را از آن دولت رها کند و به دست نبرد این بزرگوار
در این روز است با هم رسیده که می توانم خود را در آن خونی
بسیار بگردانم و از آنجا رفته دیگر آن را اگر سازم!

لا اله الا الله در آن گفته است که تاریخ مسکات در این است

حلی که است آنرا با این نام خوانند

این نوشته قلم از سنه ۸۹۴ در روز شنبه است

تولفت این تاریخ معلوم است و با بعضی از آن تاریخ است که

تولفت تاریخ مسکات است که در آن مرقوم است که تاریخ مسکات است

در الفقه (۴۴) را در آنجا که در آنجا که در آنجا که در آنجا که

با بزرگوار آن تاریخ را از سنه ۹۵۰ تا ۹۵۸ (۷) بطریق اخص است

بیا آن برده است

نار مہرا کی دہائی
بچہ اور اس وقت دیکھو

دیسام درون روزی (حصہ کا نام ہے)

دو حصہ دریا طویل کہ دریا طویل است مجموع آبادی دریا بحال ساقی و سار
ساقی = نظم و ضبط نظر کی کمی تا خواجہ کمال گوئی ان مغز کی

دو حصہ دریا حصہ قدر دیکھتے ہیں
از نام سرگن نہ کہ لکھن ان حصہ

در آسان علم، عمل پرستی پر است
در کو وجود ہر بہترین غنت
میں وہ کچھ غم تو زندگی پر است
میں وہ کچھ راہ تو در نام لڑا است

حصہ دوم صفحہ ۲

ہر گاہ تنہا غزل سوز و گدگ لڑا ان علم کی ہر زبان نامی نامی ہو
کافی ہے کہ وہ را در بار بار لہو و ادب است صفحہ جاگہ عالی و ارجحہ
صفحہ ۲

" عشق تنہا چاہتی شوی "

صفحہ ۲

سازمان سنجش و ارزشیابی وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه

در مجله ارجاع سال یک سال ۱۴ - ۱۹۴۴

مقاله: تأثیر ارزشیابی در آموزش (در مجله ارجاع سال یک سال ۱۴ - ۱۹۴۴)

آر. بیگانه

تأثیر ارزشیابی در آموزش و معارف را می‌توان به دو صورت کلی و تفصیلی در نظر گرفت. در صورت کلی، ارزشیابی در آموزش به معنای سنجش و اندازه‌گیری دستاوردهای یادگیرندگان است. در صورت تفصیلی، ارزشیابی در آموزش به معنای سنجش و اندازه‌گیری فرآیندهای یادگیری است. ارزشیابی در آموزش به دو صورت کلی و تفصیلی در نظر گرفته می‌شود. در صورت کلی، ارزشیابی در آموزش به معنای سنجش و اندازه‌گیری دستاوردهای یادگیرندگان است. در صورت تفصیلی، ارزشیابی در آموزش به معنای سنجش و اندازه‌گیری فرآیندهای یادگیری است. ارزشیابی در آموزش به دو صورت کلی و تفصیلی در نظر گرفته می‌شود. در صورت کلی، ارزشیابی در آموزش به معنای سنجش و اندازه‌گیری دستاوردهای یادگیرندگان است. در صورت تفصیلی، ارزشیابی در آموزش به معنای سنجش و اندازه‌گیری فرآیندهای یادگیری است.

صفحه ۱۴۴ / ۱۴۵

کتابخانه کتب خطی در مسقط
در کتابخانه استنادی استنادی

شماره ۱۰۰ و ۱۰۱

در فهرست کتابخانه این کتابخانه است

صدا ایضاً در تاریخ سال ۱۳۰۱، ۱۹۲۲

بازگشت ادبی - خط - ۱۰

پارسی‌ها هرگز در آن سبک و زبان و سبک عراقی نام نماندند
دارند و هر دو در آن سبک عراقی و عربی می‌کنند که هر یک در آن نام خود
و تا آن محقق شده و در حال این (اصولاً) در هر دو صورت خود
که با خاقانی و سرفراز و طریقت کرده سبکی
به که در فتنه زنده برین دو کورمان

کس اگر شعر با سوس و زبان برود

« می‌دانیم که در سده ششم تا نهم با این عروض و بحرانی یعنی ۴۴۴
مانند آغاز قرن سده هفدهم تا قرن پنجم بحر مملکت عراق در این
استایل سبکی ارباب عربی قرار داشته و بحکم و جوار عراق با بغداد
و کوفه ارباب سوزا و توله‌ها و عربی و ارباب سوزا یا پارسا آل عراق
و فارس ارباب ایران که در آن قطر اردن نیز از وقت کتی آن
رونق یافته ... این استایل ارباب عربی از عربان و فارس
حدود ارباب و حوزار هم کتی و کتی و کتی و کتی در قرون دوم و سوم
که هر روز شعر فارسی و کتی و کتی در آن کتی و کتی ظهور یافته

تصدیق صفحہ ۴۴۴

در یادداشت‌های هایدت تاریخ در اوایل قرن سوم سوادان با نرس گری
مانند اردو و سایر موزی و منتظره با دقتی و محرم و وصف سگری
و محمد شکر (یا شکر) در فردی و سیدال شکر است.

(۴۴۰)

در زمانی که در ابراهیم عراق و فارس شوا و یفا و کتا - مصوفان عربی
 زبان ارامیه بود در باران کجا رادش بود و صفایان و معنی از سوزن نام
 "مازنی و مصوفان سوزن و تفت گزفت" (در فغان ۱۰۰)
 این تقدم ادبی و ~~اصول~~ و ادبیت ادبی در عقیده و غزل و مکتوب
 و مهم اقامت شود و تفریح فانتک عهد حواری زبان و غیره مفضل بر زبان
 و از این آماج حوره سخن گفتن عراقیان آغاز شود و کوسب عراقی از این
 روز پدید آمدند.

"کسر از حد مفضل و غرض حسن و زبان و کتبه مثل هم صندمان
 آن زمان در سخن تعدادی از قصه و شعرا بودند که با اهل زبان و سرکار
 و نقد ادبی حوره و شعر و سایر از عربان رفت بر سه زبان نسقل
 کرده زیرا نام بود آهلی در وقت و چون بعد از در زبان
 نه بدنت و نه ردت باقی گذاشته این صفت هم بالطبع باقی مانده
 و حکم نام آمدن اهل زبان و تاری و ارسائی از هنر است و تفسیر مفضل
 سخن گزفت سخن کربالی آن سال دنیا و در آن اوان نفوذ زبان
 عرب مهم گشت و ما در آن عراق هم از رگی و تاری خوان زبان بود
 تاریخ بوفه ۴۵

در سنگ عراقی که همه جا بقای سنگ عربی استی شرط برسد نه از این باب است
است که خبثاً عراقی با عربی است در خوق و سلفه ادبی تفاوت داشته
باشند بلکه این بعضی بعضی دوست دارند و همه آنها در بوط زمان است
راغنی که نامم عراقی که طبع کرد طرز سخن گفتن و چهره زنی زیبا
مازی با خود نامم عراقی عربی تفاوت کرده بود.

” از ظهور دولت سلجوقیان در عربستان و عراق سوره نظم تر
بایستی رفته رفته تفاوت یافت. در این دوره کج در اثر مادی
تبعیله و عجمیت پیدا کرد. صنایع سوره در شرم داخل شد
تکلی در آنها در شرم عربی و مادی که در شرم مادی که در شرم سوره
سوره. ربط عیاشین دیگر امراض لغوی و فطری آن موصوفی -

” از طرفی در نظم هم تفاوتی صریح پیدا کرد. اصطلاحات
عجمی در شرم داخل شد. بعضی از لغات عربی که در شرم قدم ممنوع بود
در شرم عجمی در آمدند. کلمات استعاره و الام و تفردها
و اغراض بسیار در شرم فرو رفت. مصون شدن حکم استدار
ادوار نامم و شکل است و با چار است که ضامن باریک و ضعیف بودی

و شرازمان و حالت طبعی عود اندکی از کرافت به اگر مثل این است
 که صد و پنجاه از مرامت قبل و با هم گوئی و آن طرز را که در آن
 یا در آن شوکتی فتنه فتنه و فرزانه آن را چنان سر کرده است
 خصم و خصم در نزد صبر و صبر در دو حرکت است. بزرگت
 لغات و ساقی خلاصه گویا هر که در این باقی است حوالی به کلمه بر این
 در این یک نفسی در شوکتی است. و این است غزل و لطف در یک
 و صفای خصم در دل از یک سادگی و قرابت و ملامت و قحط است
 لفظ و نفس قدری کنترل کرد. و ضایقه لغت این حالات بود در زمان بود
 نه مان ؟ ۴۴۸

۴۴۸
 در میان سوان و میان و در آن یک جوهر شکفته
 " در اندک هم از لطف بود بدان شوکت و میان آن لطف بود
 ندان شوکت عاری نه برادر این است که مکان در این دوست
 تا بر در دست ما به بلکه این تفاوت بود زمان است. تنها بران
 ارتقا ک دوستی شود نظر تا که یک شوکتیم در فرزان و دوستی
 و یک شوکت بعد از عوان بر جبهه اصطلاحاً این دوستی
 و یک حرف از عوانی آنها رافقه است. ۴۴۹

و چنانکه سبک شو دیگری از عهد الهی سرود و طبعی بعد در ~~دوره~~ نندستان
طبع یافت و تا آن زمان در آن زمان که ملی بود و در عهد
صغیره آن سبک در همان دوران هم برات کرد و سبک شدی در
که با آنکه اضمحلال یافته ندرسته و چنانکه گفتیم، بزم در آن در کمال
دیده در ادب در و فقه نیز در گذشته است

این مطلب را در تاریخ روشن است و ما نمی‌دانیم در کس نام
صفت عاقبتی با فرشتی در کس گفتی و فوق سوره آفاقی بود
از روز آفاقی می‌باشد - چنانکه پس از مطبوس شدن طریقه
حرفاتی دیده شد که صاه گمانی در محرم اصواتی و در
اصواتی بسیار گمانی و آفاقی در کمالی در محرم در عجم با جاری
آن سبک را نتواند گفته بگوید که بوشی از سبک عراقی در کمال
در آن است

در سبک حرفاتی ارجح است شواهدی از عراق در آن است
بلکه در هر سبک عراقی صدق است شواهدی حرفاتی را هم در آن
صفت است و در دوران مختلف در همه ایران این صفت
رواج داشته نه در یک زمان حرفاتی سبکی داشته و در زمان زمان
هفتم ۴۴۷ در حال است ↓

در میان زمان عراق سبک دیگری -

روای سبک عراقی در نحو، مائاتین و غیره ممال و ادب و ادب و ادب

(قرن ۳ و ۴ هجری)

سبک عراقی از سبک ناصبه منقول (قرن ۲-۳ هجری)

۱- حالت در وقت بازار شورش در یک قرن اخیر و علی آن

آغاز این قرن را از ترک بازرگانان و انقلاب سال ۱۱۹۰ گرفته و دیگر

ماهرالدین ۱۲۱۲ در سبک - با عبارت خود بر از طریقی

کرم خان زند شروع کرده و بعد از آن در سبک ناصبه

مجموع آن ۱۵۲ سال خواهد بود و بعد از آن ۱۲۱۲

عمر سبک ترک سبک - در آن وقت در ایران ادب آن

آفرین از آن تاریخ شروع است " ۵۰

لا بیگانه باز در ایران فتوحات کرد و از آن وقت

زمانی که ایران آمد و آن وقت بعد از ترک در ایران

بر از او کرم خان و نه سبک ناصبه و دیگر در آن وقت

کرد

سلاطین صفویه بخون دل در فرغ ملوکا زدند و در اصل از کتابت آن
تنگس را به بوزینه افغانا و آرا عازت کرده و مردم رقصه
و دزبسه کتب ادبی علمی و ادبی بهین مردم نگرش

« دوره بیست ساله انتت عهد کرم خان که فرزندان سایر
ایران تاراجی عنذون بوزنه گنگ روضت خون ما حوال ستر ایرانان
شود بزرگتر دامن علم داد بیست و پنج کتاب از حزب و دوا دین
سوان تمام کتاب ادب صفویه محض کتابخانه ای سلاطین بود مردم
از آن محرم بوزنه اند سلام افغانا که تا بودگی جا داشتند نال خانه
نخوابان ذنق و سبک و محاوره دشمن و مدرس آن استقبال در سینه
از مجموع آنجا این حال است که ذکر افغانا حدیث تم خوب و ما فنی در برار
و اصل آن مردمان بی بود که مرکز و جمع آنجا اصوات و برار بود »

۵۲۱
لارینگیه برار استی دولت قاجار کسب نه مرکز آن استوار در ایران
نه با فتوحات آقا محمد خان و آمدن سلسله سلسله از قفقاز
به ایران "نقدمانی بود که هم منتهی شاه جانشین نایب قاجار و هم شرا
و ندمانی اورا با اعیان بکیفیت شمع شکر مانند درون سلطان محمد درون برین

"نادر شاه شورش را اکتفا نمی کند و سرانجام با داعی کلدانیست
تیمور شاه سردار اهد خان تمغی به قتل رساند که دو کتبه بنام
نادر داشت (دوره مازده - خاکسای ادریس)

"کریم خان معلوم نیست صدها شکرکمی داخله باشد" ۸۲۱

"خود فتحعلی شاه شکر بود و تاریخ مدائن است"

صبا - مجبور - میرزا ابوالقاسم قائم مقام - عمده اوراق خان (دست
زینج کاشانی - تصویر کاشانی - صاف - شاه و غیره در صبا - لویه
فتحعلی خان صبا ملک الوالی او تمغی شکرکشی و غیره بود
بر ماضی مدائنست که بپوشید و نادر را در شاه معزنی نمود و برایش
در دربارش در جواب سخن میکرد، بنابراین ماضی حال کردی کسی از آن
اشخاص بود"

عبارت میرزا انبیا السلطه خندان شکرناز نمود - ارمال بود که
شکرخان کاشانی را کتوبگ نوشتند و آنرا با صنایع و علوم کرده با بایران
رنگند - زینج کاشانی شکر خاص او بود

" خود حاجی مرزا آقا سید محمد بود و معروف شد که بدایت در جامع الفوائد
در ذیل نام (مخبر اروانی) گوید حاجی با لطفی لطیفم درسته
که از بین زنده است "

" مقدان گفت اگر مرزا ابوالقاسم قائم مقام که وزیر محمد شاه
بود که منتهی حدی خودش از سواد نامی ایران و اولین پندیده
قادر بود ترقی علمی و ادبی ایران بی این حدیسانا د [۵۲۳]
" سواد معروف این دوره بقصد سواد عصر نفعی شاه بوده و با
سواد که در دوره بوجود آمد و بعد معروف شده بود. بزرگترین آنها
مرزا حبیب الله که از مشایخ سواد آنی بوده است - دیگران که الله
که صاحب کتاب بکر نامش التوابع و کتاب نفی بر این العجم و دیگر
آنها - امثالی دیگر و فتح الدین افغانی حکم و ناصر - دیگر و سید
" امیر کبیر مغز دل و کشته شد (در زمان مافالون شاه -)
" خود مافالون شاه سید بود و مکتوبه مختصری کرده از تاریخ ایران

بی الخلاج سید . [۵۲۴]

"دینت در زمان نادرالدین شاه سرحد کمال رسیده - عادت مملکت
به حرف مملکت رسیده - در بردار است و دیگره ای اگر شکر می باشد
که نهی داشت مودت با او یک لقب داده دیگر در ایام نادر
سختی مادی طایفه .

" در این دوره کوشش و صنایع مادی فقط در حد سطح مادی
و قالی بافی و زری بافی و فلکدان سازی و سفال و سبزه بافی
و کاشی تراشی کرد .

" توفیق عمده مانند شهر وضع الدوله (اعمال اللطیفه بعد)
علی قلی میرزا اعتمادی و اللطیفه سید ابوالفتح ~~الله~~ الله باکی در آذربایجان
ماضی و توفیق دیگر سعید آملی - من حاجی آذربایجان کرد
فخر گران توفیق علی شاه که بعد از او آملی همان توفیق با کشته
هزرت گمشده که در آن عصر صحرایی در هم مازنی در لردن حاجی سره
تردین است و در تفراسیم بقصی بدانیم که اگر همه آهنگ از دست گرفته
کتابی ضمیمه بی کتابها از آن کشته خواهد شد - این کتاب را ایام
پادشاهت ابراهیم دالیم و با تجارت و این تفریق در ایام بی سرشته

۱۷۱

انگشت ادب - ۱۷۱

« و از اثر کوشش ماورالدين شاه بود که در زمان پيشه هم روزگار در وضع طبع
دندانها رنگت ناسا کرد و بعد از آنکه در ايران خانه بود
در بند وستان خاضه گشت بطبع رسيد و هم آنها در بنده بود
ماورالدين شاه فعل ماور

ماورالدين شاه ... نشت لغزاي حروف که هم از نهم
بودند و همانند پيدا شده بودند از قبيل لغزاي هم علي خان کوي
محمد خان ملک الشوار - فتح الله خان سيستان - آ - و در آن
همان افرام داشتيم را که در اوردند و لایق آنها بود بلخي خاضه
تا آنی در اداس دولت ماورالدين شاه بود در وضع جاي آورد
در روز اول وصيه سلام گشت « ۵۲۵ »

« در سوز وصال و خالها هم در بعد از کوشش قطع الملك
در همان صورت ملک الشوار - در کرمانه سلطان و الا ای ...
در صورت در اهلان ما و طرب - در کعبه و عمان و در همان وقت بود
« ۵۲۹ »

« این سلطان میرزا علی امیرخان که به اشته این سوخته بالا رفت
زیرات والله کفر مافس دشمن بود دشمنان کی تا رنجی در دست
--- ترجیح ملک و علم تاریخ و ادبیات و شعر و فطرت و سخن و حکایت
و معارف در همه آن عصر به دریا تراش تا عهد مظفرالدین شاه
استادان یافتند و با بدل سینه هم کردند.

« از سرفه بعد قرآن ادبی نگه گرفته . فتوحات ملی و آثار
جدید و انقلاب نادر و دگر روی روحی جوان در قوت در اثر وجود آورد.
که وقت ملک روابط با نهضت ادبی عصر کرم خان و شعلت ه کرد
در این دوره از طرف دولت تقویت نمودیم هر سوط نشسته یکی
سوار ملی سوز طبیعی در این اثر ملک در تمام سبک خود با همی
سوداقت . روزی به زنی هم من هر که کرد حس نداشت در وقت
ملی نوبه سوا آن . باز اصناف دارد و بخود که برخی همراه ملی که
صاحبان آن نام بوده نیز ملک بزرگی نیز صنعت زغری کرده
و ملاحظه شود آن نامه امیر (ادیب الملک) ادیب نیت ادیب
ادیب پیا ادیب - اربع - خبری پیدا شده در کتاب یکی دیگر
در رشته شعر سبک آن ذائع خواهد شد [صفر ۱۳۵۵] که از ارسال

نیمت ادبی - ۷۱

بقیه کلمات تا آنکه در کتاب درسی ادبی

« در عرصه سبک شوخانه به آنکه که در عرصه حوسه سال
حواصم یافت که از آن اصطلاح امروز «سبک بندن» شناخته
« در سبک بر فرد گامی فصاحت ساره گفته میهنه در حایم هم غزل و قطعه
بصیح نظر بر سینه و با غایت طرز در و سیرای که با وجود سبک الفاظ و سبک در حایم
از کثرت استعاره و حجاز و ضلای باقی از حلیه بلاغت و سبک در سبک
هر عاری بود حوسه گرفت

« در غزل روز بروز پیچیدگی دست پایی معرفت و در عرصه تر
از کثرت سینه از متقدمان نقله گفته غایت حرف خاتمان را سبک تر
که باز از جهت پیچیدگی مازون آنها سبک در سبک باجه در دوی هم
رفته سبک استعاره سبک عبارت بود از یک صفت شوی سبک است که
سود بط طریقند از آن جایی تمام صناع بدیع و معانی بیان و
حرف و نحو فارسی را از کثرت و در استعاره سبک با یکی زبان سبک در
به زبان در سبک و ایراد علیه سبک و سبک در سبک و اتفاقاً سبک
طریق در آن زبان دارد»
۷۱۴ هجری قمری ۱۰ اردیبهشت

« عیب دیگر که در دستار بندسپه است بود یک نوع انکطالی زانی
گرفته بود در تقابل معنوی یا مدوح و این حالت یکی از آثار اوست
نقطه فعل و نیز تصرف بود. از آنجمله حدوداً در شعر کجور
سنت دادن یا مدوح را بر سره اوست بالا بردن و نظر اینها را
که با طبع شری و عزت نفس که در فقرین غمزه آن نیست است فاما
دارد و همزه.

سرآمد این شعر در اسرار دینه صائب و حکیم و ضمیر و کرم
بنا

۴۱۴

شقایق اخلاقی سندی ۱۱۹۵ « در منزل ریاس سبک بندسپه را
در هم بست و کرد بگدی نصیحه وضع و غمرا بسته ظهر فارمان گفت

۴۱۵

« دوره نهمیت شروع شود و سبک سر در این طوطی
بگشاید تمیز بدیه حافظ اربع میگردد معده الودک کثرت غزل را
است حافظ مکره و نهم از سینه سخن نقله سینه

نظایر
کامت زرد سینه گشاید به کرد در دل خود هر صده رزمی بانه کرد
روشنان فلک را اثر در مانت صده از زردی چشم کپی بانه کرد

۷۱۹

اسیر اصلاقی فکله رانته الودن و تزل را اول سعده کینه

از منته "نفت النحن" الودن
بعد ان حوکس را آردیه
یکی آنگه کوبه بهین کن
دگر آنگه بره به فونکن

در باب فصاحت و بیگانه زبانی حاصل شود
مجهولت و لغت و بگوشه لغوی و ادیب صا و کمال در عمل
میگردد. صبا یکی مجمل آنتمه و بعضی با آنتمه - کلمه - قسم
و فعل و کلمه در زبان صنایع لفظی از قبیل ترصیع و جمع و تفریق
و بیمنه لفظی و معنوی در پیش میگرد. بحر مقاربت را با بسط
رذوق و لطافت زبان سعده میرد

۷۱۸
۱۰
"طایفه صبا و فرزندانش درین عصر عالم نوبتی در شعر و نثر
حکایات صوری و بعضی بیهود بنا دارند. و البته از بزرگت وجود یافته
عمر کرم خال زنده و کوفه و استقامت زبانی آندوزد"

۷۱۹

علاؤنی امداد تقیہ صبا را مکرره و بعد فرزند صاحب سبک خاص
دیگرش تازه مکرر است .

۷۵۲ ۲۶ ۱۱

عمران ام نادر سبک شکر و سوا .

ایم قشور از سوزان لایم خوانند

۴- تقاسم شوران قران ، برون تدبیر

مجموعه سخنرانی‌ها در باب سبک‌های ادب

۱ - حالت درونی بازار شعر و علم در این یک قرن و عمل آن

۲ - مردی علم و ادب و ادبیاتی که این قرن

تأثیرات آن

۳ - سبک شعر این قرن

۴ - مقاله‌های این قرن با رد و مدح و نقد و بی‌طرفی آن

۵ - سوانح عهد مشروطه و سبک‌های شعر

۶ - آئین شعر در ایران و خاستگاه

دوران
حداکثر
زندگی

۲ - فصل اول در بیان سبک‌های ادب و سبک‌های شعر

۸ = ۱
۱۰ = ۲

۳۱۱
۱۹۴۴

برضه دل از یاد وطن سوخته بوده

تا دل از راه برافروخته گودی

اسه بر آینه زبانی درخشان

اسه تا زادن و خوشنمی در آن

آن سوچ عظیم که آلا تا زیباورد

با هر عقابانه به پرواز در آورد

CNT95DA016 L2698 60601